

ویلیام شکسپیر

هنری پنجم

ترجمه
ابوالحسن تهامی



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

شکسپیر، ویلیام، ۱۵۶۴-۱۶۱۶ م.

Shakespeare William

هنری پنجم / ویلیام شکسپیر؛ ترجمه ابوالحسن تهامی.

تهران: مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۵.

۳۰۴ ص.

ISBN: 978-600-376-170-4

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی: Henry V, 2005

۱. هنری پنجم، شاه انگلستان، ۱۳۸۷-۱۴۲۲ م.

Henry V, King of England

۲. نمایشنامه انگلیسی - قرن ۱۶ م.

English drama - Early modern and Elizabethan, 1500-1600

الف. تهامی، ابوالحسن، ۱۳۱۷ - ، مترجم.

۸۲۲/۳۳ PR

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۴۴۳۵۰۸۷

پیشکش و لینک

امجدی رحیمہ

ایلیام شکسپیر

ہنری پنجم

ترجمہ: ابوالحسن تھامی

چاپ اول: ۱۳۹۵ لیتوگرافی: برنگ

چاپ: احمدی، شمارہ: ۱۰۰ نسخہ

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۷۶-۱۷۰-۴

حق چاپ محفوظ است.

مؤسسۃ انتشارات نگاہ

«تاسیس ۱۳۵۲»

دفتر مرکزی: خ. انقلاب، خ. شہدای ژاندارمری، بین خ. فخر رازی و خ. دانشگاه، پ. ۶۳، طبقہ ۵

تلفن: ۱۲-۶۶۹۷۵۷۱۱، ۸-۶۶۴۸۰۳۷۷، ۶۶۴۶۶۹۴۰، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷



negahpub.com



negahpublisher@yahoo.Com



Instagram.com/negahpub



Telegram.me/newsnegahpub

فهرست

۱۱	پیش‌گفتار مترجم
۱۹	در شناخت شکسپیر
۳۳	فهرست آثار شکسپیر به ترتیب تاریخ نگارش
۳۷	درآمد
۵۳	کسان نمایش‌نامه

زندگی هنری پنجم

۵۹	پیش‌گفتار
----	-----------

پرده‌ی یکم

۶۵	پرده‌ی یکم، صحنه‌ی یکم
۷۱	صحنه‌ی دوم
۷۲	پرده‌ی یکم، صحنه‌ی دوم

پرده‌ی دوم

۹۱	پرده‌ی دوم، آغاز
۹۴	پرده‌ی دوم، صحنه‌ی یکم
۱۰۲	پرده‌ی دوم، صحنه‌ی دوم
۱۱۱	پرده‌ی دوم، صحنه‌ی سوم
۱۱۵	پرده‌ی دوم، صحنه‌ی چهارم

پرده‌ی سوم

۱۲۵	 آغاز
۱۲۹	 پرده‌ی سوم، صحنه‌ی یکم
۱۳۱	 پرده‌ی سوم، صحنه‌ی دوم
۱۴۰	 پرده‌ی سوم، صحنه‌ی سوم
۱۴۴	 پرده‌ی سوم، صحنه‌ی چهارم
۱۵۲	 پرده‌ی سوم، صحنه‌ی پنجم
۱۵۶	 صحنه‌ی ششم
۱۶۷	 صحنه‌ی هفتم
۱۶۸	 پرده‌ی سوم، صحنه‌ی هفتم

پرده‌ی چهارم

۱۷۹	 آغاز
۱۸۲	 پرده‌ی چهارم، صحنه‌ی یکم
۱۹۹	 پرده‌ی چهارم، صحنه‌ی دوم
۲۰۳	 پرده‌ی چهارم، صحنه‌ی سوم
۲۱۱	 پرده‌ی چهارم، صحنه‌ی چهارم
۲۱۶	 پرده‌ی چهارم، صحنه‌ی پنجم
۲۱۸	 پرده‌ی چهارم، صحنه‌ی ششم
۲۲۱	 پرده‌ی چهارم، صحنه‌ی هفتم
۲۳۱	 پرده‌ی چهارم، صحنه‌ی هشتم

پرده‌ی پنجم

۲۴۰	 شرح تاریخی
۲۴۱	 آغاز
۲۴۴	 پرده‌ی پنجم، صحنه‌ی یکم
۲۵۰	 پرده‌ی پنجم، صحنه‌ی دوم

پی گفتار	۲۷۰
هنری پنجم در تاریخ	۲۷۳
هنری پنجم بر صحنه‌ی تئاتر	۲۷۹
هنری پنجم بر پرده‌ی سینما	۲۹۳
فیلم‌شناخت	۲۹۷
دوران الیزابت و تماشاخانه	۳۰۱

www.ketab.ir

پیش گفتار مترجم

نمایش‌های تئاتر پنجم برای مردم انگلستان یکی از محبوب‌ترین نمایش‌های تاریخ و برای تماشاخانه‌های انگلستان یکی از درآمدزاترین نمایش‌ها، شکسپیر است. این نمایش از پیروزی‌های نظامی باورنکردنی این شاه جوان انگلستان در فرانسه سخن دارد. با کشور گشایی این پادشاه، بیش از نیمی از خاک فرانسه به زیر سیطره‌ی پادشاهی انگلستان افتاد و هنری با پایانش به پاریس وارد شد و شارل ششم پادشاه فرانسه دختر خود را با او داد و او را ولیعهد خود و میراث‌دار تاج و تخت فرانسه اعلام کرد. اما همه‌ی محبوبیت این نمایش به دلیل درون‌مایه‌ی میهنی آن نیست. عوامل متعددی این نمایش‌نامه‌ی تاریخی را در جایگاه پرخواننده‌ترین نمایش‌نامه‌ی شکسپیر و نمایش آن را در شمار پربیننده‌ترین نمایش‌های تئاتر قرار داده‌اند. مهمترین این عوامل، پیرنگ یا طرحی ست که شکسپیر برای نمایش‌نامه ریخته و موضوعی خشک و نظامی را به درامی پرکشش و لذت‌بخش تبدیل کرده است. گفته‌اند که شکسپیر طرح این داستان را به مدت ده سال در ذهن می‌پرورانده است. جذابیت داستان‌های جنگی و حماسی در شکوه و عظمت صحنه‌های نبرد

است که تناثر با سکوی محدودش توان نمایش آن را ندارد. از این رو شکسپیر نمایش را به دو بخش جنگ و حاشیه‌ی جنگ تقسیم می‌کند. در بخش حاشیه‌ی جنگ آدم‌های تهی دست لندن کهن را می‌بینیم که یکی از پایه‌های مهم جذابیت نمایش به شمار می‌آیند و از آنجا که گفتارشان خنده‌آور است و فخامت چندانی ندارد، شکسپیر گفت‌وگوی‌شان را به نثر نوشته است. آدم‌هایی مانند نیم^۱، خانم مهماندار^۲، و پسرک، گفتاری یکسره ساده و عامیانه دارند که از رهگذر آن، هن صاف و ساده‌دلی‌شان نیز آشکار می‌شود.

خانم مهماندار در میان مردمان عامی ساده دل از همه ساده‌تر است و گفت‌وگویش آمیخته به لغزش‌های لغوی و معنایی بسیار است. مثلاً به جای آن که بنویسد *honest* به معنای دیوانه، می‌گوید *rheumatic* که هم وزن و شبیه آن است اما معنای مبتلا به روماتیسم می‌دهد. در جای دیگر به جای آن که بگوید: «در بهشت به آغوش حضرت ابراهیم رفته است» می‌گوید: «در بهشت به آغوش شاه آرتور رفته است»؛ و سپس به جای گفتن *incarnation* به معنای تبارخ کلمه‌ی *carnation* را به کار می‌گیرد که به معنای گل میخک است. شکسپیر با گنجاندن این اشتباه‌های روشن در کلام خانم مهماندار، کم‌دانش بودن او را نشان داده است. در ترجمه همه‌ی واژه‌های این شخصیت را شکسته و به شیوه‌ی گفتار مردم کم‌تر علم آموخته نوشته‌ام، زیرا که در فارسی برای اشتباه‌های یاد شده معادل‌های مناسبی وجود ندارد که خنده‌آور هم باشد.

یکی دیگر از شخصیت‌های عامی این نمایش پسرک است. شکسپیر بسیاری از سطور تک‌گویی بلند این شخصیت در صحنه‌ی

دوم از پرده‌ی سوم را شبیه به گویش کاکنی لندن نوشته است، از این رو در ترجمه بیان این شخصیت نیز به بیان خانم مهماندار نزدیک است.

در بخش جنگ، شاه و شاهزادگان و دوک‌ها و اشراف را می‌بینیم. سخن اینان در اوج فخامت و بلاغت است و شکسپیر آن‌ها را به شعر بی‌قافیه^۱ نوشته است. اوج فخامت و بلاغت ادبی در گفتار شاه هنری، ملازمان و اسقف‌ها به گوش و چشم می‌آید. پادشاه فرانسه و ملازمان نیز با فخامت تمام سخن می‌گویند. آدم‌هایی نیز هستند که به لحاظ گفتاری با این دو گروه مشخص قرار دارند. کاپیتانی انگلیسی به نام گاور، یکی دو سرباز انگلیسی که گفتارشان به هیچ‌روی عامیانه نیست اما به اوج‌های فخامت و بلاغت نیز نمی‌رسد. باردولف نیز گفتارش در همین سطح است، اما شخصیتی به نام پیستول، که پرچمدار جبهه‌هاست گرچه به فشرده‌های پایین جامعه تعلق دارد، می‌کوشد بلاغت و فصاحتی خاص به گفتارش ببخشد، اما از آنجا که درس نخوانده است و نحو زبان را به نیکی نمی‌داند با به‌کارگیری کلمات ناب‌جا گفتارش خنده‌انگیز می‌شود این ویژگی‌های گفتاری در سراسر ترجمه رعایت شده است.

شکسپیر در همه‌ی نمایش‌نامه‌هایش به خندان و ماساگر اهمیت بسیار داده است. حتا در سیاه‌ترین تراژدی‌های او مانند شاه لیر، هملت و مکبث نکات خنده‌آور و شخصیت‌های کمیک گنجانده شده‌اند. در شاه لیر، دلچک دربار شخصیتی کمدی است، در مکبث دریان، در رومئو و ژولیت دایه و در هملت دیوانه‌نمایی‌های خود هملت و دو گورکن خنده‌انگیز می‌شود. در هنری پنجم عوامل خنده‌آور چندان

زیادند که این نمایش را می‌توان در طبقه بندی نمایش‌های کم‌دی شکسپیر نیز جای داد. در این نمایش عنصر مهمی که خنده‌می‌انگیزد اختلاف لهجه‌هاست. یکی از شخصیت‌های اصلی این نمایش کاپیتان فلولن است که انگلیسی را با لهجه‌ی ایالت ویلز می‌گوید و بسیاری از حروف B را در واژه‌ها P تلفظ می‌کند. مثلاً به جای آن که بگوید: EUG، به معنای بزرگ، می‌گوید PIG که شنونده از آن معنای خوک می‌گیرد. گفتار این شخصیت در ترجمه کمی مبالغه شده و در جمله‌های وی ممی، خروف «ب» به حرف «پ» تبدیل شده‌اند. دو کاپیتان دیگر نیز هستند: یک اهل اسکاتلند و دیگری اهل ایرلند و اینان هم انگلیسی را به لهجه‌ی دیار خود می‌گویند و وقتی این سه افسر بر سر مسالهایی با هم بحث می‌کنند مقصود یک دیگر را وارونه می‌فهمند و کار به جدال می‌کشد. این ویژگی مانع از اندازه‌ی در ترجمه رعایت شده‌اند. اوج خنده‌انگیزی لهجه‌ها در صحنه‌ی ست که کاترین دختر پادشاه فرانسه نزد ندیمه‌اش انگلیسی می‌آموزد در این صحنه به دلیل آن که در زبان فرانسوی خاستگاهی برای حرف «e» وجود ندارد، همه‌ی حروف «e» به صورت «a» تلفظ می‌شوند و معنی دیگری می‌گیرند که برای انگلیسی‌زبان‌ها خنده‌آور می‌شود. از این گذشته بعضی از واژه‌های ساده‌ی زبان انگلیسی را آن دو بانوی فرانسوی به گونه‌ی بی‌تلفظ می‌کنند که واژه‌ی فرانسوی با معنایی زشت جلوه می‌کند. این صحنه به هیچ‌روی قابل ترجمه به هیچ زبانی نیست، از این‌رو در این ترجمه، به پیروی از نسخه‌ی هنری پنجم انتشارات بتنام کلاسیک^۱، که این ترجمه به آن متکی است، اصل گفت‌وگو را به فرانسوی و انگلیسی در یک صفحه گذاشته و در صفحه‌ی روبه‌رو توضیح کامل آن را آورده‌ام.

ترجمه‌ی دیگر گفت‌وگوهای فرانسوی این نمایش‌نامه همه در پانوشت می‌آید. این ترجمه‌ها برگردان مستقیم صاحب این قلم از فرانسوی نیست، ترجمه‌ی غیر مستقیمی است از برگردان انگلیسی آن‌ها که توسط ویراستاران متن انگلیسی صورت گرفته است.

شکسپیر در بیان این داستان نگاهی به نمایش‌های یونان قدیم داشته و نقش مفصل و ویژه‌ی به همسرایان^۱ اختصاص داده است. همسرایان در تئاترهای یونان کهن گروهی بازیگر بودند که در نقش دسته‌ی از مردم شهر محل رویداد نمایش، به صورت هماهنگ و یک‌صد ج. آ. تی. بیان می‌کردند. نقش همسرایان در تئاترهای یونان کهن نقشی اساسی در دارای وظایف متفاوت بود. همسرایان گاه پیشینه‌ی داستان را برای تماشاگران بر می‌شمردند و آنان را برای تماشای کنش‌ها آماده می‌کردند. گاه در جایگاه وجدان بشریت قرار می‌گرفتند و اعمال شخصیت‌ها را نقد می‌کردند، زمانی نظر خدایان را نسبت به اعمال شخصیت‌های نمایش آشکار می‌کردند و گاه قتل‌ها و کشتارهای فجیع را به آگاهی تماشاگر می‌رساندند. همسرایان، گاهی دو گروه از مردم شهر بودند و بر سر دو سوی یا نادرستی کارهای شخصیت‌های نخست، بحث می‌کردند. به هر روی همسرایان هر وظیفه‌ی که داشتند، صدایی واحد و جدا از جریان اصلی نمایش به شمار می‌آمدند و در عین حال نقش مکمل حوادث داستان و گفت‌وگوهایش را نیز داشتند.

همسرایان، در زمان شکسپیر از صورت گروهی خارج شده و نقش آنان را یک بازیگر ایفا می‌کرد. شکسپیر فقط در دو نمایش خود نقشی برای همسرایان دارد. در این نمایش‌نامه و نمایش‌نامه‌ی رومئو و

ژولیت. تئاتر نویس معاصر شکسپیر، کریستوفر مارلو^۱ در نمایشنامه‌ی دکتر فاستوس^۲، نقشی برای همسرایان نوشته است که آن همسرایان نیز توسط یک تن ایفا می‌شود. از آنجا که شکسپیر و مارلو هر دو به خوبی می‌دانستند که همسرایان، به دسته و گروهی اطلاق می‌شود، می‌توانستند به فرد شارح نمایش خود نام مفسر، گوینده و یا روایتگر بدهند که به یک شخص و یک فرد دلالت کند، اما به سنت تئاتر قدیم نام همسرایان را ترجیح دادند. در ترجمه نیز نام این فرد به صورت همسرایان درج می‌شود، و فعل سوم شخص مفرد برایش به کار می‌رود.

همان‌گونه که در سطرهای پیش اشاره کردم پایه‌ی خنده‌انگیزی در این نمایش نام‌های مختلف لهجه‌هاست، و از آنجا که ویژگی لهجه‌های انگلیسی، معادلی در زبان فارسی ندارد، در ترجمه کوشیده‌ام اندکی به شیرینی جمله‌ها بیفزایم تا ترجمه‌ی فارسی در خنده‌انگیزی به اصل انگلیسی کمی نزدیک شود.

در ترجمه کوشش بر آن بود که نمایش‌نامه مصرع به مصرع ترجمه شود. در متن انگلیسی، همه‌ی مصرع‌ها از آغاز تا پایان هر صحنه شماره گذاری شده‌اند، و با آغاز هر صحنه‌ی تازه شماره گذاری از نو آغاز می‌شود. این شیوه‌ی شماره گذاری در ترجمه نیز به کار رفته و در نتیجه شمار سطرهای ترجمه با شمار مصرع‌های متن یکسان است و این تمهید سنجش ترجمه با اصل را برای دوستان اثر آسان می‌کند.

از آنجا که این نمایش را شکسپیر در وحله‌ی نخست برای اجرا در تماشاخانه و برای گوش نوشته است تا برای خواندن چشم، در ترجمه کوشش بر آن بوده که این ویژگی شنیداری کار محفوظ بماند؛

از این‌رو برای معادل‌گزینی واژه‌های شکسپیر به گوش آشنا بودن واژه‌ها بیش از فخامت ادبی‌شان توجه شده است؛ چه بسا، که به احتمالی ضعیف، روزی این نمایش و یا بخشی از آن را کارگاه‌های نمایش و یا هنرجویان تئاتر ببینند و اجرا کنند. در این کوشش گاه لازم می‌آمده است که برای روشن کردن یک واژه یا عبارت، جمله‌یی به متن بیفزایم و یا سخنی را که یکی از شخصیت‌ها به فرانسوی می‌گوید، برای آگاهی تماشاگر، به صورت گفت‌وگو ترجمه کنیم و در متن بگذاریم. برای مشخص ساختن این افزوده‌ها از متن اصلی، که چندان هم زیاد نیستند، آن‌ها را درون [قلاب] گذاشته‌ام.

در صفت به صفت ترجمه‌ی متن نمایش‌نامه و بخش‌های افزوده به آن، نویسی‌های بسیاری به صورت پانوش می‌آید. پاره‌یی از این پانوش‌ها، ویراستاران متن انگلیسی و یا نویسندگان بخش‌های افزوده نوشته‌اند و برخی دیگر از مترجم است؛ پانوش‌های مترجم همه با حرف «م» مشخص شده و آنچه نشان (م.) ندارد توضیحی است که ویراستاران متن مبدا و نویسندگان بخش‌های افزوده نوشته‌اند.

برای ترجمه‌ی این نمایش‌نامه سه نسخه از سه بنگاه انتشاراتی در اختیار داشته و از روشنگری‌های ویراستاران آن‌ها در دریافت متن شکسپیر سود بسیار برده‌ام.

از نسخه‌ی انتشارات بتم کلاسیک^۱:

متن نمایش‌نامه، درآمد، هنری پنجم در تئاتر و هنری پنجم در سینما، ترجمه شده‌اند؛